

-اسه ویژگی برجسته مؤمن

لا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: ١- سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ. ٢-
وَأَسُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ. ٣- وَ سُنَّةٌ مِنْ وَكَلِيهِ. فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْفَ سِرِّهِ. وَأَمَّا
السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ. وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَكَلِيهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ
الضَّرَاءِ.

مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آن که سه خصلت در او باشد: سنتی از
پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت
پروردگارش، پوشاندن راز خود است، اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم
رفتاری با مردم است، اما سنت امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و
پریشان حالی است.

-۲ پاداش نیکی پنهانی و سزای افشا کننده بدی

«الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَالْمُذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ،
وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ.»

پنهان کننده کار نیک [پاداشش] برابر هفتاد حسنه است، و آشکار کننده
کار بد سرافکننده است، و پنهان کننده کار بد آمرزیده است.

۳- نظافت

«مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ.»

از اخلاق پیامبران، نظافت و پاکیزگی است.

۴- امین و امینما

«لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ وَ لَكِنْ ائْتَمَنْتَ الْخَائِنَ.»

امین به تو خیانت نکرده [و نمی‌کند] و لیکن [تو] خائن را امین تصور نموده‌ای.

۵- مقام برادر بزرگتر

«الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ.»

برادر بزرگتر به منزله پدر است.

۶- دوست و دشمن هر کس

«صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ.»

دوست هر کس عقل او، و دشمنش جهل اوست.

۷- نام بردن با احترام

«إِذَا ذَكَرْتَ الرَّجُلَ وَهُوَ حَاضِرٌ فَكَنِّهِ، وَإِذَا كَانَ غَائِبًا فَسَمِّهِ.»

چون شخص حاضری را نام بری [برای احترام] کنیه او را بگو و اگر غائب باشد نامش را بگو.

۸- بدی قیل و قال

«إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ.»

به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پُرخواہشی را دشمن می‌دارد.

۹- ویژگیهای دهگانه عاقل

«لَا يَتَمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ. يَسْتَكْتِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَيَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ. لَا يَسْأَلُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ، وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ دَهْرِهِ. الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى. وَالذُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ. وَالْخُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ.» ثُمَّ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

الْعَاشِرَةُ وَمَا الْعَاشِرَةُ؟ قِيلَ لَهَا: مَا هِيَ؟ قَالَ (عليه السلام): لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا
قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَآتَقَى.»

عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر این که ده خصلت را دارا
باشد: ۱- از او امید خیر باشد. ۲- از بدی او در امان باشند. ۳- خیر
اندک دیگری را بسیار شمارد. ۴- خیر بسیار خود را اندک شمارد. ۵-
هر چه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود. ۶- در عمر خود از دانش
طلبی خسته نشود. ۷- فقر در راه خدایش از توانگری محبوبتر باشد. ۸-
خواری در راه خدایش از عزت با دشمنش محبوبتر باشد. ۹- گمنامی
را از پرنامی خواهانتر باشد. ۱۰- سپس فرمود: دهمی چیست و چیست
دهمی؟ به او گفته شد: چیست؟ فرمود: احدی را ننگرد جز این که
بگوید او از من بهتر و پرهیزکارتر است.

-۱۰- نشانه سفله

«سُئِلَ الرَّضَا (عليه السلام) عَنِ السَّفَلَةِ فَقَالَ (عليه السلام): مَنْ كَانَ لَهُ
شَيْءٌ يُلْهِيه عَنِ اللَّهِ.»

از امام رضا (عليه السلام) سؤال شد: سفله کیست؟ فرمود: آن که چیزی
دارد که از [یاد] خدا بازش دارد.

۱۱- ایمان، تقوا و یقین

«إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْأِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ، وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ لَمْ يُعْطَ بَنُو آدَمَ أَفْضَلَ مِنَ الْيَقِينِ.»

ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.

۱۲- میهمانی ازدواج

«مِنَ السُّنَّةِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ عِنْدَ التَّزْوِيجِ.»

اطعام و میهمانی کردن برای ازدواج از سنت است.

۱۳- اصله رحم با کمترین چیز

«صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِ مَاءٍ، وَ أَفْضَلُ مَا تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفًّا

الْأَذَى عَنْهُ.»

پیوند خویشاوندی را برقرار کنید گرچه با جرعه آبی باشد، و بهترین پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است.

۱۴- اسلح پیامبران

«عَنْ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ
الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ.»

حضرت رضا(علیه السلام) همیشه به اصحاب خود می فرمود: بر شما
باد به اسلحه پیامبران، گفته شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود: دعا.

۱۵- نشانه های فهم

«إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفِقْهِ: الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ، وَالصَّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ
الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.»

از نشانه های دین فهمی، حلم و علم است، و خاموشی دری از درهای
حکمت است. خاموشی و سکوت، دوستی آور و راهنمای هر کار
خیری است.

۱۶- گوشه گیری و سکوت

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ: تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي
إِعْتِزَالِ النَّاسِ وَوَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ.»

زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن عافیت ده جزء است که نه جزء آن
در کناره گیری از مردم و یک جزء آن در خاموشی است.

۱۷- حقیقت توکل

«سئِلَ الرِّضَا (عليه السلام): عَنِ حَدِّ التَّوَكُّلِ؟ فَقَالَ (عليه السلام): أَنْ لَا تَخَافَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ.»

از امام رضا (عليه السلام) از حقیقت توکل سؤال شد.
فرمود: این که جز خدا از کسی نترسی.

۱۸- بدترین مردم

«إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رِفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ جَلَدَ عَبْدَهُ.»

به راستی که بدترین مردم کسی است که یاری‌اش را [از مردم] باز دارد و تنها بخورد و زیردستش را بزند.

۱۹- زمامداران را وفایی نیست

«لَيْسَ لِبَخِيلٍ رَاحَةٌ، وَ لَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ، وَ لَا لِمُلُوكٍ وَفَاءٌ وَ لَا لِكَذُوبٍ مُرُوءَةٌ.»

بخیل را آسایشی نیست و حسود را خوشی و لذتی نیست و زمامدار را وفایی نیست و دروغگو را مروّت و مردانگی نیست.

۲۰- دست بوسی نه!

«لَا يُقْبَلُ الرَّجُلُ يَدَ الرَّجُلِ، فَإِنْ قُبِلَتْ يَدُهُ كَالصَّلَاةِ لَهُ.»»

کسی دست کسی را نمی‌بوسد، زیرا بوسیدن دست او مانند نماز خواندن برای اوست.

-۲۱ حُسنِ ظَنِّ به خدا

«أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ، فَإِنَّ مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبْلَ مِنْهُ الْيَسِيرُ مِنَ الْعَمَلِ. وَ مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَوْؤَنَتُهُ وَ نَعِمَ أَهْلُهُ وَ بَصَّرَهُ اللَّهُ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ.»»

به خداوند خوشبین باش، زیرا هر که به خدا خوشبین باشد، خدا با گمانِ خوشِ او همراه است، و هر که به رزق و روزی اندک خشنود باشد، خداوند به کردار اندک او خشنود باشد، و هر که به اندک از روزی حلال خشنود باشد، بارش سبک و خانواده اش در نعمت باشد و خداوند او را به درد دنیا و دوايش بينا سازد و او را از دنيا به سلامت به دارالسلام بهشت رساند.

-۲۲ ارکان ایمان

«الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أُرْكَانٌ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ التَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ.»

ایمان چهار رکن دارد: ۱- توکل بر خدا ۲- رضا به قضای خدا ۳- تسلیم به امر خدا ۴- واگذاشتن کار به خدا.

۲۳- بهترین بندگان خدا

«سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ؟ فَقَالَ (عليه السلام): الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا، وَ إِذَا أُبْتَلُوا صَبَرُوا، وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْ.»

از امام رضا (علیه السلام) درباره بهترین بندگان سؤال شد.
فرمود: آنان که هر گاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هر گاه بدی کنند آمرزش خواهند، و هر گاه عطا شوند شکر گزارند و هر گاه بلا بینند صبر کنند، و هر گاه خشم کنند درگذرند.

۲۴- تحقیر فقیر

«مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.»

کسی که فقیر مسلمانی را ملاقات نماید و بر خلاف سلام کردنش بر اغنیا بر او سلام کند، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات نماید که بر او خشمگین باشد.

۲۵- عیش دنیا

«سُئِلَ الْإِمَامُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): عَنْ عَيْشِ الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: سِعَةُ الْمَنْزِلِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ.»

از حضرت امام رضا (علیه السلام) درباره خوشی دنیا سؤال شد. فرمود: وسعت منزل و زیادی دوستان.

۲۶- آثار زیانبار حاکمان ظالم

«إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبَسَ الْمَطَرُ، وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ، وَإِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي.»

زمانی که حاکمان دروغ بگویند باران نبارد، و چون زمامدار ستم ورزد، دولت، خوار گردد. و اگر زکات اموال داده نشود چهارپایان از بین روند.

۲۷- رفع اندوه از مؤمن

«مَنْ فَرَّجَ عَنِ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.»

هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد.

۲۸- بهترین اعمال بعد از واجبات

«كَيْسَ شَيْءٍ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.»

بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست.

۲۹- سه چیز وابسته به سه چیز

«ثَلَاثَةٌ مُوَكَّلٌ بِهَا ثَلَاثَةٌ: تَحَامُلُ الْأَيَّامِ عَلَى ذَوِي الْأَدْوَاتِ الْكَامِلَةِ وَإِسْتِيلاءُ الْحِرْمَانِ عَلَى الْمُتَقَدِّمِ فِي صِنْعَتِهِ، وَ مُعَادَاةُ الْعَوَامِ عَلَى أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ.»

سه چیز وابسته به سه چیز است: ۱- سختی روزگار بر کسی که ابزار کافی دارد، ۲- محرومیت زیاد برای کسی که در صنعت عقب مانده باشد، ۳- و دشمنی مردم عوام با اهل معرفت.

۳۰- میانه روی و احسان

«عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَالْبِرِّ مِنَ الْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْظُمُ شِقَّةَ التَّمْرَةِ حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَجَبَلٍ أَحَدٍ.»

بر شما باد به میانروی در فقر و ثروت، و نیکی کردن چه کم و چه زیاد، زیرا خداوند متعال در روز قیامت یک نصفه خرما را چنان بزرگ نماید که مانند کوه احد باشد.

۳۱- دیدار و اظهار دوستی با هم

«تَزَاوَرُوا تَحَابُّوا وَتَصَافَحُوا وَلا تَحَاشَمُوا.»

به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید.

۳۲- راز پوشی در کارها

«عَلَيْكُمْ فِي أُمُورِكُمْ بِالْكِتْمَانِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فَإِنَّهُ رُؤِيَ « أَنْ
الْإِدَاعَةَ كُفْرًا » وَرُؤِيَ « الْمُدْيَعُ وَالْقَاتِلُ شَرِيكَانِ » وَرُؤِيَ « مَا تَكْتُمُهُ مِنْ
عَدُوِّكَ فَلَا يَقِفُ عَلَيْهِ وَلِيَّكَ. »

بر شما باد به رازپوشی در کارهاتان در امور دین و دنیا. روایت شده که « افشاگری کفر است» و روایت شده « کسی که افشای اسرار می‌کند با قاتل شریک است» و روایت شده که « هر چه از دشمن پنهان می‌داری، دوست توهم بر آن آگاهی نیابد.»»

-۳۳ پیمان شکنی و حيله‌گری

« لا يَعدُمُ المرءُ دائِرَةَ السُّوءِ مَعَ نَكْتِ الصِّفْقَةِ، وَ لا يَعدُمُ تَعدِيلُ العُقُوبَةِ مَعَ إِدرَاءِ البَغْيِ.»»

آدمی نمی‌تواند از گردابهای گرفتاری با پیمان شکنی رهایی یابد، و از چنگال عقوبت رهایی ندارد کسی که با حيله به ستمگری می‌پردازد.

-۳۴ برخورد مناسب با چهار گروه

«إِصْحَبِ السُّلْطَانَ بِالْحَذَرِ، وَ الصِّدِّيقَ بِالتَّواضُّعِ، وَ العَدُوَّ بِالتَّحَرُّزِ وَ العَامَّةَ بِالبُشْرِ.»»

با سلطان و زمامدار با ترس و احتیاط همراهی کن، و با دوست با تواضع و با دشمن با احتیاط، و با مردم با روی خوش.

-۳۵ رضایت به رزق اندک

«مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ.»

هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی باشد.

-۳۶ عقل و ادب

«الْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ، وَ الْأَدَبُ كُفَّةٌ فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَرَ عَلَيْهِ، وَ مَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا.»

عقل، عطیه و بخششی است از جانب خدا، و ادب داشتن، تحمل یک مشقت است، و هر کس با زحمت ادب را نگهدارد، قادر بر آن می‌شود، اما هر که به زحمت بخوهد عقل را به دست آورد جز بر جهل او افزوده نمی‌شود.

-۳۷ پاداش تلاشگر

«إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أُعْظِمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»

به راستی کسی که در پی افزایش رزق و روزی است تا با آن خانواده خود را اداره کند، پاداشش از مجاهد در راه خدا بیشتر است.

۳۸- به پنج کس امید نداشته باش

«خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا تَرْجُوهُ لِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: مَنْ لَمْ تَعْرِفَ الْوَثَاقَةَ فِي أَرْوَمَتِهِ، وَالْكَرَمَ فِي طِبَاعِهِ، وَالرِّصَانَةَ فِي خَلْقِهِ، وَالنُّبْلَ فِي نَفْسِهِ، وَالْمَخَافَةَ لِرَبِّهِ.»

پنج چیز است که در هر کس نباشد امید چیزی از دنیا و آخرت به او نداشته باش: ۱- کسی که در نهادش اعتماد نبینی، ۲- و کسی که در سرشتش گرم نیابی، ۳- و کسی که در آفرینشش استواری نبینی، ۴- و کسی که در نفسش نجابت نیابی، ۵- و کسی که از خدایش ترسناک نباشد.

۳۹- پیروزی عفو و گذشت

«مَا التَّقَتْ فِتْنَانِ قَطُّ إِلَّا نُصِرَ أَكْثَرُهُمَا عَفْوًا.»

هرگز دو گروه با هم روبه رو نمی‌شوند، مگر این که نصرت و پیروزی با گروهی است که عفو و بخشش بیشتری داشته باشد.

۴۰- عمل صالح و دوستی آل محمد

«لا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْأَجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ إِتْكَالاً عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) وَ لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) لِأَمْرِهِمْ إِتْكَالاً عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ.»

مبادا اعمال نيك را به اتكاي دوستي آل محمد (عليهم السلام) رها كنيد،
و مبادا دوستي آل محمد (عليهم السلام) را به اتكاي اعمال صالح از دست بدهيد،
زيرا هيچ کدام از اين دو، به تنهائي پذيرفته نمي شود.

www.sahbayevelayat.blog.ir